

## حَجَب

### لِغَةً:

هو المنع، كما تقدّم بيانه وبينان اشتقاقاته في عنوان «حاجب».

### اصطلاحاً:

يراد به منع شخصٍ من الميراث بصورةٍ كليةٍ، ويسمى بـ«حجب الحرمان» أو بصورةٍ جزئيةٍ، ويسمى بـ«حجب النقصان»، كما تقدّم توضيحهما في عنوان «إرث».

ويراد به أيضاً منع لقاء شخصٍ لشخصٍ آخر، وفاعله حاجب - ويطلق عليه البوّاب أيضاً - وعمله «حجاية».

وعرّف الحاجب: بأنه الذي لا يدخل عليه<sup>(١)</sup> أحد إلا برضاه<sup>(٢)</sup>.

وللحجب والاحتجاب اصطلاح آخر عند أهل الحديث والدعاء، يراد به الأدعية والأحراز التي كان يحتجب بها المعصومون عليهم السلام عن شرور أعدائهم<sup>(٣)</sup>.

(١) الضمير في «عليه» لا بدّ من أن يرجع إلى المحجوب، وإلا فلا معنى لما ذكروه من كراهة اتّخاذ الحاجب.

(٢) المسالك ١٣: ٣٧٦.

(٣) راجع سفينة البحار ٢: ٤٦، مادة «حجب / الحجب والاحتجاب».

وظائف الفاصد كما هو المفروض في جميع موارد الجراحة اليوم، فيكون الفاصد ضامناً لما يحصل من التلف بسبب ترك الشدّ، وإلا فلا يضمن.

### مظانّ البحث:

يبحث عن الحجامة غالباً في الكتب التالية:

١- كتاب الطهارة: بمناسبة البحث عن نواقض الوضوء وأنّ الحجامة هل هي ناقضة أم لا؟ وبمناسبة كون دم الحجامة من دماء الجروح المعفّوة أم لا.

٢- كتاب الصوم: بمناسبة ذكر الأمور المنفطرة والبحث عن أنّ الحجامة منها أم لا؟

٣- كتاب الاعتكاف: بمناسبة الكلام عن الأمور المحرّمة على المعتكف ومنها إخراج الدم وهل الحجامة منها أم لا؟

٤- كتاب البيع والمكاسب: بمناسبة الكلام عن المكاسب المكروهة وهل الحجامة منها أم لا؟

٥- كتاب النكاح: بمناسبة البحث عن الكفاءة، وهل الحجامة تنافي الكفاءة؟

وهل يجوز حجامه المخالف وإن استلزم اللّمس والنظر؟

وهل نفقة الحجامة على الزوج أم لا؟

٦- كتاب الشهادة: بمناسبة البحث، عمّا ينافي المروّة وما يمنع عن قبول الشهادة، وهل الحجامة منها أم لا؟

٧- كتابا القصاص والديات: بمناسبة ما لو حصل التلف بسبب فعل الحاجم والفاصد.

HACB

Munir Muhammad, 11 Mu'at-ferāiz, 28

HACB

Pikly

موسوعة جلال عبدالناصر

٢٢٧ / ٤

1010

# المبادئ الشرعية والقانونية

في المجرى والنقبات والموارث والوصية

تأليف  
الدكتور ضبي محصاني

عضو المجامع العلمية العربية  
نائب بيروت وعضو في كليات الحقوق في بيروت سابقاً  
ورئيس شرف في محكمة الاستئناف والتبليغ

الطبعة السابعة

مزيدة ومنقحة

1981

دار العلم للملايين

ص.ب. ١٠٨٥ - بيروت  
تلكس: ٢٣١١١ - بيروت

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No. :	11047
Tasnif No. :	297-5 MAH-M

Hacb, 366-371  
(FKH)

درسناها سابقاً ، كالقتل واختلاف الدين . فالمنع في الحجب سببه وجود الغير . أما المنع في الحرمان الناتج عن أحد موافقه . فسببه عدم الاهلية في المحروم نفسه . وان هذا المحروم بخلاف المحجوب لا يحجب أحداً من الورثة . فلو مات رجل عن ابنه الذي قتله أو الذي ليس من دينه وعن زوجة ، فالزوجة تأخذ الربع . لأن الفرع الوارث هنا محروم لذاته ويعد بمنزلة المدوم<sup>١</sup> ، فلا يحجب الزوجة حجب نقصان .

ومن قواعد الحجب الأساسية ان من يدي بشخص لا يرث مع وجود ذلك الشخص ، كابن الابن مثلاً فإنه لا يرث مع الابن . ويستثنى من ذلك أولاد الأم ، أي الاخوة والاخوات لأم ، فإنهم يرثون معها لعدم استحقاقها جميع التركة في المذهب الحنفي<sup>٢</sup> .

ويكون المنع عن الارث في الحجب كاملاً أو جزئياً . فإن كان كاملاً ، فهو حجب حرمان . وان كان ناقصاً ، فهو حجب نقصان . فحجب النقصان يدخل على أصحاب الفروض . أما حجب الحرمان ، فيدخل على أصحاب الفروض وعلى العصباء . وسنرى توضيح كل من هذه الأنواع .

أما ذوو الأرحام ، فيدخل عليهم أيضاً حجب الحرمان ، وفقاً لقواعد الترجيح التي مرت معنا في الباب السابق<sup>٣</sup> . وهي شبيهة بقواعد الحجب في العصباء . ولا نرى مجالاً لتكرارها .

١ عند ابن مسعود . المحروم يحجب حجب نقصان لا حجب حرمان (البراجية ص ٥٣ . وشرح الابياتي ج ٣ ص ١٠٦) .

٢ أما في المذهب الجعفري ، فلا يرث أحد من الاخوة بوجود الأم . كما سنرى .

٣ البراجية ص ١٠٩ - ١١٤ . والدر المختار للحصكفي ج ١ ص ٨٠١ .

## الباب السابع

### الحجب

تعريفه

الحجب معناه في اصلاح علم الموارث : « منع شخص معين عن ميراثه كله أو بعضه بوجود شخص آخر »<sup>١</sup> .

فلا يحجب اولية الارث ، ولكنه لا يرث حصته كلها أو بعضها بسبب وجود وارث آخر مقدم عليه . وهو يحجب غيره أحياناً . مثاله ان الأب يحجب الاخوة والاخوات المتعددتين ، وهؤلاء المحجوبون يحجبون بدورهم الأم من الثلث الى السدس .

وهذا يختلف الحجب عن الحرمان من الارث لما منع من موافقه التي

١ أنظر شرح البراجية (ص ٥٠ وما بعدها) . والمواد ٦١٧ - ٦٢١ من الأحكام الشرعية .



# الغای القوی فی دار الفتنی

تألیف: قاضی القضاة عبد الله بن عمر البضاوی

المتوفى (٦٨٥ هـ)

Türkiye Devlet Kütüphanesi	
Kıbrıs Şubesi	
Kayıt No:	8229
Tasnif No:	297.51
	8EY.G

دراسة وتحقيق وتعليق

على محيي الدين على القهتره داغی

الجزء الثاني



السعودية - الدمام

Haab الفصل الثاني  
~~Haab~~ ف الحجب

من يدل على المورث بنفسه بنسب أو نكاح لا يحجب كالأبوين والولد، والزوجين.

وأما غيره - فيسقط ابن الابن بالابن، والجدة بالأقرب، والجدة من جهة الأم بها وبالقرابي منها، ومن الأب بالوسط والأم والقرابي من الجهتين. وبنات الابن بذكر أعلى وبناتين ما لم تُعصَّب، وأولاد الأبوين بالابن وابنه والأب، وأولاد الأب بهم وبالأخ من الأبوين، والأخت من الأب بأختين من الأبوين ما لم تُعصَّب، وابن الأخ بالجدة والأخ وحاجبه، والعم بابن الأخ وحاجبه، وابن العم به وبحاجبه، والعملات منهم بالأعيان، والأخفاف<sup>(١)</sup> بالفرع والأب والجدة، والمعتق بعصبات النسب، وعصباته به، وترتيبهم كترتيب عصبات النسب، إلا أن الأظهر أنه يُقدَّم الأخ على الجدة لتمحض تعصبيه، لا ابن الأخ لبُعده.

\* \* \*

(١) أي محجب بنو العمالات منهم - أي من الأخ وابن الأخ ومن العم وابن العم - من الأب بنى الأعيان منهم.

والعمالات أولاد الرجل من نسوة متفرقة، وبنو الأعيان أولاد الأبوين وبنو الأخفاف أولاد الأم وجمعهم صاحب المصباح في بيتين:

ومنى أردت تمييز الأعيان فهم الذين يضمهم الأبوان  
أخفاف أم ليس بجمعهم أب وبعمك العمالات يفرقان  
راجع: المصباح المنير (٧٧/٢).

حجّامت، نک: خون‌گیری.

حجّاب، اصطلاحی در فقه و حقوق اسلامی به معنای محروم شدن کسی از کل یا بخشی از سهم ارث، در صورتی که موجبات وارث شمرده شدن او پیش‌تر به اثبات رسیده باشد (محقق حلی، ۸/۳۴۵؛ زحیلی، ۴/۸۱۹؛ جعفری، ترمینولوژی ...، ۲۱۰). این واژه در لغت به معنای بازداشتن و منع است (ابن‌منظور) و در قانون مدنی ایران، حجّاب حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم می‌شود (ماده ۸۸۶).

پیش از پرداختن به چگونگی حجّاب، در آغاز باید شروط و موانع ارث را بشناسیم و با دامنه اثر آنها آشنا باشیم.

یکی از شروط اصلی وراثت، زنده بودن وارث در حین فوت مورث است؛ یعنی اگر حملی باشد، در صورتی ارث می‌برد که نطفه او در زمان فوت پدر منعقد بوده، و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد (همان، ماده ۸۷۵).

یکی دیگر از شروط ارث در میان نبودن موانع ارث است. دو نوع مانع وراثت وجود دارد: یکی آنکه شخص وارث از لحاظ شخصیت خود قانوناً مانع ارث بردن وارث دیگری گردد؛ چنان‌که وارث طبقه اول مانع وراثت خویشان طبقه دوم‌اند (همان، ماده ۸۸۸). نوع دوم مانع وراثت، «حجّاب به وصف» است، بدین معنی که وصفی در یکی از وارث پدید می‌آید که به سبب وجود آن، موصوف از بردن ارث محروم می‌شود. مانند صفت قاتل بودن وارث که او را از ارث بردن از مقتول محروم می‌کند؛ یا متصف شدن وارث به کفر یا در آمدن او به حال رق (بندگی) (نک: محقق حلی، ۴/۸۱۴-۸۱۶؛ ابن‌قدامة، ۶/۴۳۷؛ جعفری، ارث، ۲/۱، ۸۳-۸۶).

ماده ۸۸۰ قانون مدنی چنین آورده است: «قتل از موانع ارث است. بنابراین، کسی که مورث خود را عمداً بکشد، از ارث او ممنوع می‌شود، اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا با شرکت دیگری». به دنبال آن ماده ۸۸۱ قانون مدنی می‌نویسد: «در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود» (نیز نک: ماده ۸۸۵-۸۸۶، ۸۹۲).

به جز ۳ مورد اصلی که بحث آن گذشت، ۴ مورد دیگر نیز به‌عنوان لواحق اسباب منع ارث به‌شمار می‌آیند: هرگاه نسب یا سبب از راه لعان (نسبت زنا دادن زوج به زوجه) منتفی گردد؛ هرگاه وارث به‌طوری غیبی داشته باشد که خبر از او منقطع شده باشد، تا آنکه مردنش محقق شود، یا آن قدر زمان بگذرد که عادتاً زنده ماندن او منتفی باشد؛ هرگاه وارث حملی در شکم مادر

متمایز کنیم. حجاز اخیر با قطبی کردن قوی درجه پنجم و نمای ملودیک فروشو / فراشو / فروشو از مُد مرجع متمایز می‌شود و از نظر فاصله تقریبی ربع پرده این چنین است:

do sib LA sol fa mi♯ Re=4 2 4 3 3

در ردیف میرزا عبدالله، درجه مهم شوژ Sol، و از آن حجاز Re ی اکتاو بالا (پایین دسته) است (دورینگ، جم)؛ اما از این حالت که در منطقه صوتی خیلی زیر قرار دارد - به‌ندرت استفاده می‌شود. رایج‌تر این است که حجاز را از La به‌عنوان آوازی از شور یا، باز هم رایج‌تر، همچون گوشه‌ای از ابوعطای Sol بخوانند یا بنوازند. این گزینه همان گزینه ردیف تار آقا حسینقلی است (وهدانی، جم).

حجاز ایرانی و آذربایجانی، با تکیه بر La و خاتمه روی Ré، از این گام استفاده می‌کند: (mib ré do) sib LA sol fa mi♯ Ré. در بیشتر ردیفها، پس از حجاز گوشه ریتیمیک - ملودیک بغدادی و یک گوشه بزرگ آوازی سازی به نام چهارپاره می‌آید که پس از آن به ابوعطا یا شور فرود می‌آیند (دورینگ، 61-58). معلوم نیست چگونه حجاز عربی و ترکی توانسته است به حجاز ایرانی فاقد دوم افزوده تغییرشکل دهد. تنها توضیح این مسئله معنای ضمنی مذهبی و عربی حجاز ایرانی است که می‌توانسته است موسیقی‌دانان را برانگیزد تا نام یک سرزمین مقدس در اسلام را بر آن بگذارند. منابعی که قدمت این شکل را روشن کند، وجود ندارد. در ۱۳۰۱ ق/۱۸۸۴ م، در رساله میرمحسن نواب (وضوح‌الارقام) نام حجاز به‌عنوان یکی از الحان رایج ذکر شده است. همچنین نام این مُد در ساختار مُدال چهار دستگاه از شش دستگاه معرفی شده در این رساله دیده می‌شود (نک: نواب، ۶۵-۴۱).

ماخذ: ثابت‌زاده، منصوره، مقدمه بر سه رساله موسیقی قدیم ایران، تهران، ۱۳۸۲ ش؛ رزقی، صادق، الاغانی التونسية، الدار التونسية للنشر، ۱۹۶۷ م؛ صفی‌الدین ارموی، الادوار فرانکفورت، ۱۹۸۴ ق/۱۴۰۵ م؛ عبدالعزیز بن عبدالجلیل، الموسیقا الاندلسیة المغربیة، کویت، ۱۴۰۹ ق/۱۹۸۸ م؛ مبارک‌شاه، شرح بر ادوار، ترجمه سلمان سالک، تهران، ۱۳۸۸ ش؛ مهدی، صالح، الموسیقى العربیة، بیروت، ۱۹۹۳ م؛ نواب، میرمحسن، «وضوح‌الارقام در علم موسیقی»، فصلنامه موسیقی ماهور، ترجمه علی کاتبی، تهران، ۱۳۸۹ ش، س ۱۳، ش ۵؛ نیشابوری، محمد، «رساله موسیقی»، به‌کوشش امیرحسین پورجوادی، معارف، تهران، ۱۳۷۴ ش، دوره ۱۲، ش ۲؛ وهدانی، رضا، ردیف‌سازی موسیقی سنتی ایرانی، ردیف آقاعلی‌اکبر قزاقی (به‌روایت استاد بزرگ علی‌اکبر شهنازی، معروف به روایت میرزا حسینقلی)، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ نیز:

Aydemir, M., *Turkish Music Makam Guide*, Istanbul, 2010; During, J., *The Radif of Mirzā 'Abdollah, A Canonic Repertoire of Persian Music*, Tehran, 2010; Fallahzadeh, M., *Persian Writing on Music: A Study of Persian Musical Literature from 1000 to 1500 AD*, Uppsala, 2005; Al Faruqi, L. I., *An Annotated Glossary of Arabic Musical Terms*, London, 1981; Feldman, W., *Music of the Ottoman Court*, Berlin, 1996; Huseyni, Z. M., *Qānun-e 'elmi o'amali-e musiqi*, ed. A. A. Rajabov, Tashkent, 1987; Rezāyeva-Baqirova, R., *Tarzan Mirzā Faraj*, Bakou, 1986; Signell, K., *Makam: Model Practice in Turkish Art Music*, Seattle, 1977; Touma, H. H., *La Musique arabe*, Paris, 1996; Wright, O., *The Modal System of Arab and Persian Music, A. D. 1250-1300*, London, 1978.

ژان دورینگ

1. During

## حَجَب:

١ - تعريف: الحجب هو منع من قام به سبب الإرث من الميراث كلاً أو بعضاً.

٢ - أنواع الحجب: الحجب على نوعين:

أ - حجب بوصف: كالكفر والقتل، فلا يرث كافر من مسلم، ولا مسلم من كافر لقوله ﷺ (لا يرث الكافر المسلم، ولا المسلم الكافر)<sup>(١)</sup>، ولا يرث قاتل من مقتوله، لقوله ﷺ (القاتل لا يرث)<sup>(٢)</sup>.

ب - حجب بشخص: وهو على نوعين:

(١) حجب حرمان:

أ - تعريفه: منع شخص من الإرث بسبب وجود من هو أولى منه بالميراث.

ب - أسبابه: أسباب حجب الحرمان قرب الدرجة من الميت، فلا يرث ابن أخ مع وجود أخ، أو قوة القرابة، فالأقوى قرابة يحجب الأبعد، فلا يرث أخ لأب مع وجود أخ شقيق.

ج - لا يطرأ حجب الحرمان على ستة أشخاص هم: الأبوان، والزوجان، والأولاد ذكوراً كانوا أم إناثاً.

(٢) حجب نقصان: حيث يُحجب فيه الزوج من النصف إلى الربع إن كان لزوجه الميته ولد، وتُحجب الزوجة من الربع إلى الثمن إن كان لزوجها الميت ولد، وتُحجب الأم من الثلث إلى السدس إن كان لولدها الميت ولدٌ أو ولدٌ ابن، أو أكثر من أخ، وتُحجب بنت الابن عن النصف إلى السدس إن كان معها أخت واحدة، تكملة للثلثين اللذين هما حظ الأخوات، وتُحجب الأخت لأب من النصف إلى السدس أيضاً إن كان معها أخت شقيقة واحدة تكملة للثلثين.

(١) البخاري في الفرائض باب لا يرث المسلم الكافر، ومسلم في أول كتاب الفرائض.

(٢) أبو داود في الدييات باب ديات الأعضاء، والترمذي في الفرائض باب إبطال ميراث القاتل.